

بازتحلیلی بر حضور فناوری اطلاعات در حوزه علمی قم

● محمد سمیعی

پیش گرفتند. البته نمی‌توان نفی کرد که رایانه، روزی هم در استنباط برخی از احکام، به مجتهدان کمک کند، ولی برای این کار، مقدمات بسیاری لازم است که هنوز هم فراهم نشده است چه برسد دو دهه قبل از این. گروهی دیگر هم کسانی بودند که با رایانه آشنا بودند، ولی با نیازهای موجود در پژوهش‌های اسلامی آشنا نبودند. برخی از این دوستان اقدام به چاپ فهرست الفبایی برخی کتب احادیث بر اساس حروف متن حدیث کردند که میزان کارایی ناچیز آن، اصلاً قابل مقایسه با نرم‌افزارهای معجم الفاظ موجود در آن زمان نبود.

قصد من در اینجا نگاه تاریخی به موضوع نیست، گرچه اگر فرصت اجازه دهد، آن نگاه هم بسیار جذاب و آموزنده است. در دو دهه گذشته در دو عرصه اطلاع‌رسانی و ارتباطات، بسته‌های نرم‌افزاری و سایت‌های بسیاری ارائه شده است. مقصود من از عرصه نخست یعنی اطلاع‌رسانی، مدیریت اطلاعات علمی و پژوهشی علوم اسلامی است. نرم‌افزارهای لفظی و موضوعی حدیث و فقه و فلسفه، همین‌طور نرم‌افزار رجال در این گروه قرار می‌گیرند. البته تمام این گروه‌ها اطلاعات آماده یا دست اول را ارائه می‌دهند و در اصطلاح می‌گویند مراجع آماده (Ready References) هستند. یعنی مراجعه‌کننده به آن‌ها دنبال یک واقعیت دست اول است؛ یک آیه قرآن یا آدرس یک حدیث و یا نام مشایخ یک راوی را جست‌وجو می‌کند. دسته دیگری از بانک‌های اطلاعاتی مرجع هستند که نسبت به منابع تحقیقاتی که به نوعی منابع دسته دوم محسوب می‌شوند، اطلاع‌رسانی می‌کنند، مانند: بانک‌های کتاب‌شناسی و چکیده منابع علوم

یکی از برکات انقلاب اسلامی، اشتغال به تحصیل بسیاری از طلاب هم زمان در حوزه و دانشگاه بود. آشنایی با دستاوردهای این دو طیف معرفتی، هم برای حوزه و هم برای دانشگاه افق‌های تازه‌ای را گشود. اصولاً در دنیای امروز، بسیاری اعتقاد دارند همواره نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها محصول تقاطع رشته‌های مختلف دانش یا مطالعات بین رشته‌ای هستند. یعنی کمتر اتفاق می‌افتد کسی که در یک رشته تمرکز دارد، بتواند نوآوری خارق‌العاده‌ای تقدیم جامعه کند، ولی اگر با پیش‌زمینه‌ای در رشته دیگر، وارد آن رشته شود، زمینه‌های نوآوری بسیاری برای او فراهم است.

یکی از دلایل موفقیت جریان‌های اسلامی در فضای دیجیتال، ریشه‌دار بودن مؤسسان آن در حوزه علمی بوده است. وقتی مؤسسان این فکر، خود حوزوی بوده‌اند و هم خود آشنا به رایانه و برنامه‌نویسی با آن و آشنا با منطق کار آن، کاملاً به بزنگاه‌ها و موارد مورد نیاز و نحوه کاربری فناوری احاطه داشتند و طبیعتاً بهترین و عملی‌ترین راه‌ها را برمی‌گزیدند. در کنار این تجربه موفق، ما تجربه‌های ناموفقی هم داشتیم که مربوط به کسانی بود که فاقد یکی از این دو بُعد تخصصی بودند. برخی که با فقه آشنا بودند، ولی با رایانه ناآشنا بودند، از همان ابتدا اهداف دست‌نیافتنی را انتخاب می‌کردند. آنان فکر می‌کردند که رایانه را می‌توان برای اجتهاد، برنامه‌ریزی کرد؛ هنگامی که برخی دستاوردهای نرم‌افزاری را می‌دیدند، گمان می‌کردند که دستگاهی که این قدر توان دارد، حتماً می‌تواند اجتهاد هم بکند و با این هدف دور از دسترس، طرح‌های ناموفقی را در

یکی از دلایل موفقیت جریان‌های اسلامی در فضای دیجیتال، ریشه‌دار بودن مؤسسان آن در حوزه علمی بوده است



اسلامی. اما در هر حال مخاطب هر دو دسته پژوهشگران علوم اسلامی با سطح مطلوبی از تخصص هستند. اما عرصه دوم یعنی ارتباطات، از نرم‌افزار و اینترنت بعنوان یک رسانه بهره می‌گیرد. مخاطبان این عرصه می‌توانند از همه اقشار باشند و نیازی به آشنایی آنان با علوم اسلامی حتی در سطح ابتدایی نیست. اصلاً ممکن است یک سایت یا نرم‌افزار برای ایجاد ارتباط با غیرمسلمانان طراحی شده باشد. یا ممکن است نرم‌افزاری برای بازی کودکان ولی با آموزه‌های اسلامی باشد.

مقصود من از این تفکیک، آن بود که نشان دهم که ورود اندیشه اسلامی به فضای دیجیتال از عرصه اطلاع‌رسانی آغاز شد و در عرصه ارتباطات ادامه یافت. یعنی طلاب ابتدا با انگیزه برآورده کردن نیازهای پژوهشی، آغاز کردند و در ادامه به برآوردن نیازهای ترویجی گرویدند. این حرکت دو عامل داشت: نخست عامل اقتصادی که بسیاری از دست‌اندرکاران را واداشت که به سمت طرح‌هایی که خودکفایی را برای آنان به ارمغان آورد حرکت کنند، چون طرح‌های دسته اول بسیار تخصصی بودند و برای اجرا معمولاً نیاز به استفاده از یارانه‌ها و کمک‌های بسیار داشتند. دوم این که مخاطب طرح‌های دسته اول بسیار محدود بود و این طرح‌ها نمی‌توانستند با فضای عمومی جامعه ارتباط برقرار کنند، ولی دسته دوم مخاطب وسیعی داشتند بخصوص خانواده‌هایی که می‌خواستند هم از فناوری جدید بهره ببرند و هم از مضرات برخی فضاهای ناسالم در امان باشند، بسیار از این نرم‌افزارها استقبال می‌کردند. طبیعی است که هر تولیدکننده‌ای مایل است محصولش بیشتر مورد استقبال قرار گیرد و در جامعه کاربرد محسوس‌تری داشته باشد.

البته هر دو گروه اطلاع‌رسانی و ارتباطات هنوز نتوانسته‌اند مشکلات خود را به صورت اساسی حل کنند و سیستم پایداری را برای خود بوجود آورند. در مورد دسته اول مهم‌ترین مشکل لزوم

اتکا به یارانه است. در مورد رشته‌های علمی دیگر غیر از علوم اسلامی، این نوع فعالیت‌ها بسیار درآمدزا است و می‌تواند خودکفا و سودآور باشد. مثلاً بانک‌های اطلاعاتی که در پزشکی (مانند *Index Medicus*) یا شیمی (مانند *Chemical Abstracts*) خدمات مشابهی را ارائه می‌کنند، محصولات خود را به قیمت بالا در بازار به فروش می‌رسانند و چون استفاده‌کنندگان از خدمات آنان در اهداف اقتصادی فعالیت می‌کنند، برایشان صرف می‌کند که هزینه بالای حق اشتراک یا خرید این محصولات را بپردازند. اما مسأله در علوم اسلامی هیچ‌گاه نمی‌تواند این‌گونه حل شود. کسی از علوم اسلامی استفاده اقتصادی نمی‌کند، بنابراین حاضر نیست یا حتی نمی‌تواند مطابق هزینه‌های انجام شده و حتی بدون سودی برای تولیدکننده نرم‌افزار، این‌گونه نرم‌افزارها را با قیمت واقعی خریداری کند. بنابراین، این دسته از فعالیت‌های زیربنایی همواره متکی به یارانه می‌شود. البته ممکن است بگوییم دولت اسلامی موظف به تامین یارانه و حمایت از این فعالیت‌هاست، این صحیح است ولی یک آفت دیگر در بر دارد و آن اینکه کاری که با یارانه انجام می‌گیرد و

تنها راه التیام، احترام جدی قانونی و شرعی به حقوق مالکیت فکری و همکاری نهادهای فقهی، فرهنگی و قضایی در اجرای جدی قوانین موجود در این زمینه است

تنها راه التیام این مشکل، احترام جدی قانونی و شرعی به حقوق مالکیت فکری و همکاری نهادهای فقهی، فرهنگی و قضایی در اجرای جدی قوانین موجود در این زمینه است. البته طبق توضیحی که داده شد، تنها وقتی این مسأله از بنیان حل می‌شود که کشور به نظام‌های بین‌المللی حقوق مالکیت فکری بپیوندد و کالاهای فکری که در قرن بیست و یکم اهمیت بسیار بالاتری از کالاهای فیزیکی یافته‌اند، مورد حمایت قرار بگیرند و در نتیجه رشد کنند. تنها از همین راه است که نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری که توسط مقام معظم رهبری عنوان شده و جامعه دانایی محور، که شعار اصلی برنامه چهارم توسعه است، تحقق خواهد یافت.

به هر حال با همه این مشکلات، نرم‌افزارهای علوم اسلامی در ایران یکی از برجسته‌ترین شاخه‌های تولید نرم‌افزار بوده و همواره در نمایشگاه‌های اطلاع‌رسانی و رایانه، بخش مهمی را به خود اختصاص داده است. شاید دو علت وجود داشته که با همه نارسایی‌ها، این رشته توانسته است هنوز بقای خود را حفظ کند. نخست آن که واقعاً خلوص و معنویت تحسین برانگیزی در بسیاری از دست‌اندرکاران وجود داشته و اهداف مقدس آنان، توانسته تا حد زیادی برای فائق آمدن بر مشکلات مؤثر باشد. دوم آن که اطلاعات و پیش‌زمینه‌های این حوزه مختص به کشور ما است و جز معدود نرم‌افزارهای شیعی تولید شده در لبنان که آن هم به زبان عربی است، هیچ متولی دیگری در دنیا برای این رشته وجود ندارد. این انحصار، جایگاه ویژه‌ای برای تولید این محصولات ایجاد کرده است.

اما ورود رایانه و نرم‌افزار در حوزه‌های علمیه، علاوه بر آنچه که گفته شد، آثار جانبی بسیار زیاد و قابل مطالعه‌ای در بر داشته است که بد نیست به بررسی آن آثار هم بپردازیم، زیرا شاید اهمیت برخی از آن‌ها حتی بیش از بحث مورد نظر باشد.

۱. مؤسسات بسیاری در قم شروع به کار کردند که برای نخستین بار تشکل بین مؤسسه‌ای میان آنان پدید آمده است و آن تعاونی مراکز اطلاع‌رسانی علوم اسلامی است. این سنخ فعالیت در حوزه کاملاً جدید است. در حقیقت یک نوع فعالیت جمعی و سازمان‌یافته فرهنگی غیردولتی است که نوید آینده‌ای روشن را برای فعالیت‌های فرهنگی در بر دارد.
۲. این مؤسسات توانستند پیوند مناسبی بین اقتصاد و

فرصت محک خوردن در بازار را ندارد، یعنی مجبور نیست خود را با ذائقه مشتریان تطبیق دهد، معمولاً با بهره‌وری پایین ارائه می‌شود. اجازه بدهید مثالی نیاورم چون به اندازه کافی در جای جای اقتصاد یارانه‌ای این مسأله را تجربه کرده‌ایم. تنها راه حلی که اکنون به ذهن می‌رسد، این است که نحوه تخصیص یارانه را عوض کرد و به جای این که مستقیماً یارانه را به تولیدکننده پرداخت کنیم، آن را به مصرف‌کننده بدهیم و با ایجاد رقابت بین تولیدکنندگان، آنان را مجبور به بالا بردن کیفیت محصول و تطابق آن با ذائقه بازار کنیم.

اما محصولات ارتباطی هم مشکلات خاص خود را داشتند. نخست آن که به دلیل رعایت نشدن حقوق مالکیت فکری تولیدکنندگان نرم‌افزارها در کشور، هیچ امنیتی در این زمینه وجود ندارد. علی‌رغم این که قانونی توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۹ در این زمینه تصویب شده و آیین‌نامه اجرایی آن هم در سال ۱۳۸۲ به تصویب هیأت دولت رسید، این کار هنوز معطل مانده است. مضافاً بر آن که حتی اگر این قانون هم به اجرا برسد به خاطر این که ما تعهدی در مورد نرم‌افزارهای بین‌المللی نداریم، قیمت «نرم‌افزار» به معنای عام خود نزد مصرف‌کنندگان پایین آمده است؛ یعنی هر لوح فشرده حداکثر دو هزار تومان! و این با استاندارد قیمت‌های موجود در کشورهای توسعه‌یافته بسیار متفاوت است. عرف آن است که چند برابر قیمت یک رایانه باید برای خرید نرم‌افزارهایی که روی آن کار می‌کند، هزینه کرد. بر این اساس، خط تولید نوپای نرم‌افزار ما به شدت لطمه خورد، خیلی از تولیدکنندگان از خط خارج شدند و به انجام کارهای پرسودی مانند خرید و فروش قطعات رایانه روی آوردند و آن‌ها هم که ماندند، مجبور شدند آثار خود را در سطح لوح‌های فشرده زیر ده هزار تومانی سامان دهند. البته منظور تولیدکنندگانی هستند که به یارانه‌های این بخش دسترسی نداشته‌اند.

این افت کیفیت را می‌توان از حضور جهانی نرم‌افزارهای اسلامی به خوبی فهمید. در سال ۱۹۹۶ در نمایشگاه جیتکس امارات، نرم‌افزارهای اسلامی ارائه شده توسط ایران از حیث تنوع و تعداد شرکت‌کنندگان قابل قیاس با دیگر کشورها نبود، ولی سال به سال این معادله وارونه شد و آن پیشگامی تبدیل به عقب‌ماندگی!

قم هم در زمینه سخت‌افزار و نرم‌افزار و هم در زمینه ارتباط با اینترنت، بدون شک جزو استان‌های پیشگام بوده است

بود. قم هم در زمینه سخت‌افزار و نرم‌افزار و هم در زمینه ارتباط با اینترنت، بدون شک جزو استان‌های پیشگام بوده است.

۴. تأثیر فضای دیجیتال و بخصوص اینترنت، در حوزه علمی قم، گسترش ارتباطات بین‌المللی حوزه است. تولیدکنندگان این نرم‌افزارها، مشتریان بسیاری از ساکنان خارج از کشور داشتند، همان‌گونه که مدیران سایت‌های اسلامی با مسائل دینی و فرهنگی مسلمانان مقیم در خارج از ایران آشنا شدند. تولیدکنندگان نرم‌افزارها در بسیاری از نمایشگاه‌های عربی و حتی اروپایی برای عرضه محصولات خود شرکت کردند و کاربران اینترنتی حوزه هم توانستند بر شاهره این رسانه با محصولات و دایقه‌های فرهنگی سراسر دنیا آشنا شوند. هم‌چنین علمای حوزه با نیازهای روز فقهی و اعتقادی مسلمانان سراسر جهان از نزدیک آشنا شدند. البته در زمینه گسترش ارتباطات بین‌المللی حوزه، نقش برخی از علما و فضایی معاود از عراق را نیز نباید نادیده گرفت. آنان که به واسطه زبان و فرهنگ عربی، ارتباطات و مراودات بین‌المللی بیشتری داشتند، در بین‌المللی تر کردن فکر حوزوی مؤثر بودند. البته ناگفته نماند که زبان انگلیسی که کلید ارتباطات وسیع بین‌المللی است، هنوز در حوزه مورد توجه جدی قرار نگرفته است و اگر آموزش این زبان جزو برنامه کار حوزه قرار بگیرد، در تقویت جنبه‌های تبلیغی و هم تحقیقی، تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۵. تأثیر فضای دیجیتال در حوزه تحول نظام پژوهشی حوزه است. اگر به کتاب‌ها و محصولات پژوهشی حوزه قبل از دهه هفتاد نگاهی بیندازید، می‌بینید که بسیاری از آن‌ها رنگ و بوی تتبع و گردآوری دارد، ولی با به عرصه آمدن توان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، بسیاری از این امور حل شد. دیگر تصحیح یک نسخه خطی و یافتن مآخذ روایات موجود در آن یک شاهکار نیست، بلکه کاری است که با آشنایی به اصول کار و استفاده از نرم‌افزارهای موجود، به سرعت و با دقت بسیار قابل انجام است. چنانچه تتبعات رجالی در اسناد احادیث که سال‌ها وقت گرانمایه‌های علما را می‌گرفت، اکنون با ابزار جدید به سرعت و براحتی و در مواردی حتی با دقت بیشتر انجام شدنی است. به نظر می‌رسد اکنون روال پژوهشی حوزه بیشتر به سمت نشریات تخصصی، تألیف مقالات به سبک جدید و تدوین دائرةالمعارف‌های اسلامی است.

محصولات فرهنگی دینی، برقرار کنند. چنانچه مستحضرید، یکی از چالش‌های مهم در حوزه تحقیقات و تبلیغات دینی، همواره تعریف رابطه اقتصاد با این فعالیت‌هاست. از یک طرف این فعالیت‌ها دینی هستند و نباید با اهداف اقتصادی دنبال شوند و از طرف دیگر بدون در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی، هیچ کاری را نمی‌توان برنامه‌ریزی کرد. یعنی ممکن است یک کار خیری با حمایت اولیه راه‌اندازی شود، ولی بقای آن که اتفاقاً تنها سر موفقیّت این فعالیت‌ها در بقای آن‌ها به همراه انباشت و بکارگیری تجربه‌هاست، تنها متکی به تعریف صحیح ابعاد اقتصادی است. این مؤسسات از معدود مواردی هستند که در عمل توانسته‌اند تجربیات موفق در تعریف ابعاد اقتصادی در کنار ابعاد دینی و فرهنگی داشته باشند. اکنون هزاران نفر به صورت تمام وقت یا پاره‌وقت، کارمندان، همکاران و پژوهشگرانی هستند که در این مؤسسات مشغول به کارند و این دستاورد بسیار مهم و قابل مطالعه‌ای است.

۳. پیشگامی حوزه در ورود به فضای دیجیتال، باعث شد که در زمینه ورود این فناوری نوین، شاهد کمترین تنش در سطح جامعه باشیم. در تاریخ معاصر معمولاً هر گونه فناوری وارداتی به صورت طبیعی مواجه با مقاومت‌های سنتی بوده است. برخی از این مقاومت‌ها به دلیل بدبینی تاریخی ما به صاحبان فناوری جدید، یعنی غربی‌ها است و برخی دیگر هم به خاطر آن است که این فناوری‌ها در بستر جامعه ما بصورت طبیعی رشد نکرده‌اند و ورود آنان بدون زمینه‌سازی، نخبگان را بویژه نخبگانی را که با تجربه غرب در این زمینه آشنا نبوده‌اند به هراس می‌انداخت. قضایای تاریخی بسیاری در این زمینه‌ها نقل می‌شود که از آسفالت و بلندگو گرفته تا ویدئو و ماهواره ادامه می‌یابد. البته معمولاً پس از طی دورانی کوتاه و هضم آن پدیده توسط جامعه، مشکل برطرف می‌شود و همه چیز به حالت عادی باز می‌گردد. حقوق استفاده از آن فناوری جدید، تعریف می‌شود و جایگاه خود را در نظام اجتماعی پیدا می‌کند. این پروسه کاملاً طبیعی است و کم و بیش همه کشورهای بخصوص در جهان سوم، به نحوی با آن درگیر هستند. آنچه مهم و بسیار قابل تأمل می‌باشد، آن است که این قبیل مقاومت‌ها در مقابل رایانه، نرم‌افزار و اینترنت، بسیار کمتر از موارد مشابه بود. شاید یکی از علل عمده آن پیشگامی حوزه علمی قم در این زمینه